

استقرار حاکمیت ملی هدف جبهه ملی ایران است

بنام خداوند جان و خرد

کالبد شکافی حوادث اهواز؛

ورجاوند: نابخردی مسوولان و استراتژی انگلستان حوادث اهواز را رقم می‌زند
آنچه اکنون از مصاحبه مشترک وزیر خارجه آمریکا و ایتالیا برمی آید این است که استان‌هایی مانند خوزستان و بوشهر و هرمزگان باید به تسخیر آنان درآید تا آنها از منابع نفت و امکانات عظیم انرژی و تاسیسات آنجا بهره‌برداری کنند.
پرویز ورجاوند کارشناس مسایل سیاسی در گفت و گو باخبرگزاری ایرانیوز با بیان مطلب فوق اظهار داشت: بدون شک حوادث خوزستان و اهواز یک پدیده تازه و جدید نیست. اگر بخواهیم ابعاد این پرونده را بررسی کنیم باید به دوران قاجار و به چهره‌ای به نام "خزعل"؛ که با حمایت انگلیس قصد جداسازی خوزستان از ایران را داشت باز گردیم.
وی افزود: اما شرایط به گونه‌ای دیگر پیش رفت؛ حکومت مرکزی اقتدارگرایی در ایران بر سر کار آمد و با بهره جستن از شرایط سیاسی توانست به تحركات و آشوب‌های مختلف در گوشه و کنار ایران پایان بخشد، انگلستان نیز نفع خود را در حمایت از این جریان دید.

ادامه در صفحه ۲

تسخیر خوزستان و تلاش برای تجزیه بخش‌هایی از ایران

آمریکا برای اشغال استان نفت خیز جنوب شرقی و عرب نشین ایران "خوزستان" بعد از بمباران وسیع مراکز هسته‌ای، شیمیایی و مراکز فرماندهی و ارتباطات نظامی این کشور آماده شده است.
طبق اطلاعات منابع اطلاعاتی آلمان فدرال (بی - ان - دی) دولت بوش طرح بمباران مراکز هسته‌ای و بقیه مراکز سلاح کشتار جمعی و مراکز نظامی ایران را با بمباران وسیع و سنگین تدوین کرده است. در این بمباران از بمب و سلاح هسته‌ای تاکتیکی استفاده خواهد شد.
حمله همراه خواهد بود با عملیات تخریبی توسط نیروهای ویژه وزارت دفاع آمریکا و همراهی نیروهای تجزیه طلب. منابع اطلاعاتی آلمان اشاره کرده اند که عواملی در سازمان سیا نگران واکنش‌های زنجیره‌ای بعد از حمله هستند که می‌تواند سبب گسترش جنگ شود. اطلاعات مربوط به حمله آمریکا به ایران از طریق عوامل سازمان سیا به اطلاع سازمان‌های اطلاعاتی فرانسه، انگلستان، کانادا و استرالیا نیز رسانده شده است.
طرح بوش برای حمله به ایران همراه است با اشغال سریع استان خوزستان که بیشترین نفت ذخیره ایران را دارد. خوزستان اکثریتی عرب شیعه دارد و رابطه نزدیک برادری با شیعیان عراق دارد.

ادامه در صفحه ۳

لایحه بودجه سال ۱۳۸۵ - غیر مسئولانه، خطرناک و بی هدف

درصد مجاز است)، ۸۴ درصد آن کسری باید از فروش مازاد درآمد ارزی نفت به بانک مرکزی (حساب ذخیره ارزی) تامین شود که اثر آن بالا رفتن نقدینگی و افزایش فشارهای تورمی است.
عوامل دیگر ایجاد کننده کسر بودجه افزایش واردات بنزین (۲/۵ میلیارد دلار اضافی) خرید گندم مازاد از کشاورزان، مقاوم سازی منازل روستایی، پرداخت‌ها به کمیته امداد امام، وزارت رفاه، بنیاد شهید، نیروی انتظامی، امور دفاعی، دانشگاه علوم پزشکی، وزارت علوم و معلمان خارج از کشور است.
ترمیم بودجه سال ۱۳۸۴ عملکرد این سال را افزایش می‌دهد و در نتیجه بودجه سال ۱۳۸۵ بر مبنای عملکرد سال ۱۳۸۴ در واقع حاوی دو افزایش نسبت به بودجه مصوب سال ۱۳۸۴ است.
ادامه در صفحه ۴

لایحه بودجه سالانه هر کشور انعکاس طرز تفکر، امکانات و عملکرد دولت آن کشور است که با تصویب مجلس یا قوه مقننه شکل قانونی می‌گیرد. لایحه بودجه سال ۱۳۸۵ کل کشور انعکاس طرز تفکر، طرز کار آقای احمدی نژاد و همکاران ایشان به عنوان هیئت دولت ایران است.
از مان روی کار آمدن دولت جدید بذل و بخشش رئیس دولت برای امور خیریه مخصوصاً تغذیه رایگان، کمک به محرومین، پیران، بازنشستگان و امور زیارتی و اماکن مقدسه و روضه خوانی، و تعزیه که همان هزینه‌های مصرفی کوتاه مدت است به شدت افزایش یافته و سبب شده تا دو لایحه ترمیم بودجه سال ۱۳۸۴ به مجلس ارائه شود که جمعاً معرف ۵۶ هزار میلیارد ریال (۶/۲۶ میلیارد دلار) کسر بودجه برابر حدود ۱۰ درصد بودجه مصوب جاری است (در حالی که در اتحادیه اروپا کسر بودجه جاری دولتها تنها در حدود ۳

دیدگاه جبهه ملی ایران درباره بحران انرژی هسته‌ای کشور

بنام خداوند جان و خرد
هموطنان عزیز،

از آغاز حاکمیت جمهوری اسلامی، از آنجا که اداره کشور را در راستای ایجاد رفاه، پیشرفت اقتصادی، عدالت اجتماعی و پویایی فرهنگی در توان خود نمی‌دید، برای سرپوش گذاشتن بر ناتوانیها و شکستهای خود و مشغول نگهداشتن مردم، راه بحران آفرینی در سیاست خارجی و درافتادن با قدرتهای جهانی را در پیش گرفت، بطوریکه بحران آفرینی اکنون محور استراتژی جمهوری اسلامی شده است. چنین رفتاری نه تنها تا به امروز کوچکترین دستاوردی برای منافع ملی ایران نداشته، بلکه فرصتهای پرشمار زرین و بی همتایی را نیز که در این مدت در راستای اعتلای میهن ما پیش آمده بوده از دست داده و یا تبدیل به تهدید کرده و لطمه‌های سنگینی بر اعتبار و موقعیت ایران وارد ساخته است.

ادامه در صفحه ۶

کالبد شکافی حوادث اهواز؛

وی تاکید کرد: در زمان حکومت احمدشاه هر کس در گوشه و کنار ایران قدرت خاصی داشت. در خوزستان نیز فردی به نام خزعل که خودش را حکمران منصوب از سوی حکومت ایران می دانست با حمایت انگلستان تلاش می کرد که خوزستان را از ایران جدا کند تا انگلستان بتواند برای همیشه بر منابع عظیم نفت خوزستان سلطه داشته باشد. اما با شرایطی که در منطقه بوجود آمد، انگلستان با حمایت از سردار سپه سعی خود را به ایجاد یک حکومت متمرکز معطوف کرد و در نتیجه دست از حمایت خزعل برداشت و زمانی که نیروهای دولت مرکزی به سمت جنوب در حرکت بود بارها خزعل با انگلیسی ها تماس گرفت اما انگلیسی ها از وی حمایت عملی نکردند.

بنابراین پدیده ای به نام جداسازی خوزستان از ایران تحت شعاع شکل گیری یک نظام اقتدارگرای مرکزی در ایران قرار گرفت.

وی در ادامه خاطر نشان کرد: اما از آن زمان به بعد انگلستان در چهارچوب قرارداد جدید نفتی که با ایران امضا کرد، توانست از منابع عظیم نفت ایران به صورت غیر قابل تصویری بهره برداری کند به طوری که توانست ناوگان عظیم دریایی خود را به مدد منابع نفت ایران و از جیب ملت ایران گسترش دهد.

ورجاوند با بیان اینکه انگلیسی ها در جریان جنگ دوم جهانی توانستند حضورشان را با اشغال ایران تثبیت کنند گفت: همه تلاش های انگلستان با ملی شدن صنعت نفت به رهبری دکتر مصدق نقش بر آب شد و با بیرون کردن انگلیسی ها از ایران، انگلستان بر تثبیت موقعیت خویش در عراق و شیخ نشین ها تاکید ورزید تا قدرت مانور و اعمال نفوذش را در منطقه و ایران از دست ندهد.

وی افزود: زمانی که انگلستان تصمیم گرفت تا نیروهای خود را از خلیج فارس بیرون ببرد و به ظاهر به شیخ نشینان تحت سلطه خود استقلال ببخشد، زمینه های اختلاف را میان آنان از یکسو و میان آنها و ایران از سوی دیگر فراهم آورد و شرایطی ایجاد کرد که همواره به گونه ای در منطقه اختلاف وجود داشته باشد، که از آنجمله است ادعای بی پایه امارات بر جزایر سه گانه ایرانی.

این کارشناس سیاست خارجی با اشاره به دوران حکومت صدام و ادعای صدام برای مالکیت خوزستان اظهار داشت: در دوران حکومت بعث، صدام با وقاحت تمام خوزستان را سرزمین عربستان اعلام کرد و به خوزستان به عنوان سرزمین عرب ها می نگریست، همانگونه که ادعای مالکیت کویت را داشت. در نتیجه به یاری دستگاه جاسوسی

استخبارات عراق جریان هایی را چون حزب الاهواز و مانند آن در خوزستان شکل داد و با کمک های فراوان مالی و در اختیار گذاردن اسلحه آنها را به ایجاد تحریکات در منطقه خوزستان به ویژه بعد از انقلاب واداشت.

ورجاوند در ادامه گفت: اما چهره ای به نام تیمسار مدنی استاندار خوزستان در دولت موقت، مانع از اعمال نفوذ عراق در خوزستان شد و اگر این مرد در خوزستان در برابر گروه های حمایت شده صدام ایستادگی نکرده بود و کمر این جریان را شکسته بود اکنون خوزستان برای ما به یک موضوع فاجعه بار بدل شده بود.

وی افزود: انگلستان و وابستگانش همواره این ذهنیت را دارند که باید در خوزستان حالت نابه سامان وجود داشته باشد اما از طرفی بعد از انقلاب نیز برخی واقعیت ها به خوبی درک نشد و با کمال تاسف اختلافات مذهب شیعه و سنی این احساس را در بین شماری از باشندگان ایرانی بوجود آورد که به عنوان یک شهروند درجه ۲ مطرح هستند، همانطور که ایرانی ترین ایرانیان یعنی هموطنان عزیز کردستانی هم به دلیل سنی بودن شهروند درجه ۱ محسوب نمی شوند، همانطور که هموطنان عزیز بلوچستانی نیز شهروند درجه ۱ به حساب نمی آیند.

ورجاوند تاکید کرد: بنابراین نحوه برخورد حاکمیت شرایطی را بوجود آورد که همیشه در بخش هایی از ایران جریان های ناراضی وجود داشته باشند و در نتیجه جریان های زیرزمینی که در اهواز حضور داشتند با بهره گیری از جریان های فراسوی مرزهای ایران امکان حیات پیدا کردند. بدون هیچ تردیدی تا زمانی که صدام در قدرت بود این جریان ها به انواع مختلف توسط صدام حمایت می شدند و اکنون نیز با استقرار نیروهای انگلیسی و آمریکایی در عراق این جریان ادامه یافته است.

ورجاوند با ذکر این پرسش اساسی که چرا هم اکنون انگلیسی ها در جنوب عراق مستقر شده اند و چرا در شمال عراق مستقر نیستند، خاطر نشان کرد: چرا انگلیسی ها در جنوب عراق مستقر شده اند؟ بخش جنوبی عراق یک حوزه سیاسی گره خورده با منافع انگلیسی ها به حساب می آید و انگلیس قصد دارد تا با استقرار در این منطقه اثرگذاری بیشتری را در تمام سرزمین های شمالی و جنوبی خلیج فارس داشته باشند و همچنین امکان اعمال فشار و نفوذ در خوزستان را برای خود حفظ کند و صحبت هایی هم که از جانب مقامات انگلیسی بیان می شود خود بیان گر و تایید کننده این موضوع است.

وی افزود: نکته بسیار مهمی که در مورد خوزستان وجود دارد این است که مردم خوزستان در دوران جنگ با وجود تمامی دسیسه ها و تلاش های صدام،

در برابر عراق پایداری و مقاومت کردند و اجازه ندادند که عراق خوزستان را به حیاط خلوت خود تبدیل کند.

اما متأسفانه پس از جنگ به دلیل عدم وجود یک تدبیر مناسب برای پاک سازی مین هایی که عراقی ها و جب به و جب در سرزمین خوزستان کاشته بودند سبب شد تا مردمی که از طریق زراعت و نخل داری امرار معاش می کردند فرصت بهره برداری از زمین های خود را از دست بدهند و به حاشیه نشینی و مهاجرت به شهرها روی آورند و در نتیجه بسیاری از روستاها متروک شد و سطح زندگی مردم تنزل پیدا کرد. مردم خوزستان نیز احساس کردند که در پی ۸ سال مقاومت در برابر قدرت خارجی و پاسداری از ایران، حاکمیت هیچ توجهی به شرایط آنها ندارد.

این کارشناس سیاسی تاکید کرد: تا کنون هیچ تلاشی برای شیرین کردن آب منطقه انجام نشده و مردم خوزستان در حالی که در کنار رودخانه کارون و بهمن شیر زندگی می کنند نمی توانند از آب شیرین مناسب استفاده کنند. هنوز بخش زیادی از شهرهای خوزستان بدون گاز زندگی می کنند. بخش های عمده ای از ویرانی های جنگ به حال خود رها شد و فقر بر گرده مردم خوزستان فشار وارد می سازد. بنابراین تمام این شرایط این فرصت را بوجود آورده که جریان های کوچک زیرزمینی که سالیان سال به جریان های بعث عراق و انگلستان گره خورده بودند بتوانند تحركات جدیدی انجام دهند و بستری بوجود آمد تا آنها دست به تحركاتی بزنند.

ورجاوند تاکید کرد: بنا بر این دلیل حوادث اخیر در اهواز آن است که در خوزستان یک برنامه درست و توانا در جهت عمران و آبادی منطقه و ساماندهی مناسب برای مردم آنجا صورت نگرفته و مردم احساس می کنند که مورد بی توجهی قرار گرفته اند.

وی خاطر نشان کرد: آنچه اکنون از مصاحبه مشترک وزیر خارجه آمریکا و ایتالیا برمی آید این است که استان هایی مانند خوزستان و بوشهر و هرمزگان باید به تسخیر آنان در آید تا آنها از منابع نفت و امکانات عظیم انرژی و تاسیسات آنجا بهره برداری کنند.

امکاناتی که از نقطه نظر مبادلات بازرگانی ایران برای ایران حایز اهمیت حیاتی است، چرا که ۸۰ درصد از واردات و صادرات ایران از طریق کرانه خلیج فارس و دریای عمان صورت می گیرد اگر چنین کاری صورت بگیرد ابعاد فاجعه باری برای ایران به همراه خواهد داشت. بنابراین سیاست استراتژیک قدرت های بزرگ در آشفته ساختن اوضاع منطقه مهم و حساس خوزستان و نابخردی و ناتوانی ها در ساماندهی و توجه به خواست های معقول مردم منطقه، دلایل اصلی حوادث اخیر اهواز است.

تسخیر خوزستان و تلاش برای تجزیه بخش‌هایی از ایران

بوش همزمان با دستور آماده باش نیروهای امریکایی در مرز عراق و همچنین نیروهای دریایی امریکا در خلیج فارس، به دو گروه "الحوزای پیشرو دموکراسی" و "ارگان آزاد سازی خوزستان" که از نیروهای مخالف و تجزیه طلب خوزستان متشکل شده اند کمک خواهد کرد تا در این منطقه دولت مستقل عرب به نام "جمهوری دموکراتیک الحوزا" را اعلام کنند و از طریق سازمان ملل و توسط امریکا و چند دولت متحد و نزدیک امریکا نیز به عنوان یک دولت جدید به رسمیت شناخته و چتر حمایت هوایی از آن برقرار شود. (حالتی شبیه ممنوعیت پرواز هوایی برقرار کردستان عراق در زمان صدام حسین)

امریکا در عین حال به تجزیه طلبی در میان گروه‌های دیگر ایران، یعنی آذری‌ها و ترکمن‌ها، و مناطق دیگری که در آنها ذخائر نفت و گاز قابل ملاحظه وجود دارد دامن خواهد زد. نئو محافظه کاران امریکا همچنین قصد همراه کردن کردهای ایران با کردهای عراق و ترکیه را دارند و بلوچها با بلوچهای پاکستان را.

در پیش بینی این حمله، گروه جاسوسی "یواس اس جیمی کارتر" از طریق زیر دریایی‌های مستقر در خلیج فارس تمامی ارتباطات تجاری و دیپلماتیک و نظامی ایران را زیر نظر دارد و نیروی ویژه موازی ارتش امریکا بنام نیروی ۱۲۱ تمامی اطلاعات لازم برای شناسایی مراکز مهم نظامی و غیره را از طریق عواملش که تحت عنوان ژورنالیست به ایران سفر کرده اند جمع آوری کرده است.

ترکیه: سوخت هواپیماهای آمریکا برای حمله به ایران ذخیره شد

آمریکا در شما عراق یک پایگاه بزرگ به اسم "اناکندا" تاسیس کرده است. این پایگاه در نزدیکی شهر تلافار است. همچنین بنا به گزارش روزنامه جمهوریت ترکیه فرمانده پایگاه آمریکا در شهر بیلجیک بخش اعظم مهمات خود را به این پایگاه منتقل کرده است. به گزارش همین روزنامه آمریکا در پایگاه بیلجیک ترکیه ۱۱۰۰۰ تن سوخت ذخیره کرده اند.

موضع گیری تند البرادعی نسبت به ایران تغییرات در موشک‌های ایران برای کلاهک اتمی

البرادعی رئیس آژانس انرژی اتمی در مصاحبه با هفته نامه Newsweek که در شماره بیست و شش ژانویه این نشریه منتشر شد گفت: سه سال است که مادر ایران مشغول تحقیق و بررسی هستیم، ولی هنوز من در وضعیتی نیستم که بتوانم اعلام کنم فعالیت‌های هسته‌ای ایران کاملاً صلح آمیز است. ما باید هنوز به کارمان ادامه داده و این امکان را داشته باشیم که به کلیه مدارک و اشخاص و مکانها دسترسی داشته باشیم.

سوال: سایت هسته‌ای لویزان پیش از آنکه شما به آن دسترسی پیدا کنید از سوی حکومت ایران نابود شد و به شما

وضع را داشت و در دوران بعد هم مسئله به اینصورت بود که چالش‌هایی وجود داشت که هیچگاه این چالش‌ها همسو نبود. الان تشکیل این جلسه و این نشست و آن اختطار قبلی که آقایان دادند حکایت از این دارد که مجموعه‌ای این قدرتها در یک همسویی دارند گام برمی دارند و بدون شک با یک چنین شرایطی پرونده اگر به شورای امنیت برود، با اولین اختطار و قطعنامه‌ای که هشداردهنده است کارش را شروع می‌کند. بدون اینکه، به اعتقاد من در این قطعنامه نکاتی فراتر از اختطار و درخواستهای قاطع مطرح بشوند. صدای آلمان: فکر می‌کنید این نخستین گام یا هشدار چه چیزی باشد، مثلاً محدود کردن دیدار و ملاقات دیپلمات‌هایی ایرانی از کشورهای خارجی؟

پرویز ورجاوند: بهیچوجه فکر نمی‌کنم که در اولین قطعنامه و هشدار مسئله‌ی معینی را در ایجاد محدودیت عنوان بکنند، بلکه تصور من این است که در این قطعنامه‌ی نخست در چارچوب مطالبی که تا بحال بصورت شفاف مطرح کرده‌اند مسئله‌ی توقف قطعی غنی‌سازی و بسته شدن به احتمال قوی پایگاه نظنز را بعنوان پیشنهاد قطعی شان مطرح می‌کنند که اگر چنین نشود، با قطعنامه‌های بعد بسراغ ایجاد محدودیت‌ها گام برمی‌دارند.

صدای آلمان: پس به نظر شما دکتر ورجاوند، چه هنگامی و در چه شرایطی ممکن است شورای امنیت دست به اقدامات تدریجی، مثلاً تحریم اقتصادی، علیه جمهوری اسلامی ایران بزند؟

پرویز ورجاوند: در طی زمانی که تعیین خواهند کرد، به احتمال در این هشدار اولیه و قطعنامه‌ی اولی، می‌تواند با یک فاصله‌ی زمانی کمی، اگر آن زمانبندی زمان کوتاهی باشد که به اعتباری در پیوند خواهد بود با مسایل مربوط به عراق. یعنی احتمال قوی می‌دهم که هر اقدام تحریم گونه‌ای علیه ایران قبل از اعلام نتایج انتخابات عراق و حرکت بسوی استقرار دولت پایدار عراق می‌تواند صورت بگیرد.

صدای آلمان: گزینه‌ی نظامی چطور؟ آیا فکر می‌کنید، چه در کوتاه مدت، چه در درازمدت، گزینه‌ی نظامی کاملاً منتفی است؟

پرویز ورجاوند: بهیچوجه. به دلیل اینکه بارها و بارها تمام مقامات، بویژه هم رئیس جمهور آمریکا و هم وزیر امور خارجه اش، به این مسئله اشاره داشتند که هیچگاه گزینه‌ی نظامی را از روی میز برنخواهند داشت. منتهای مراتب تصور من براین است که یک زمان قابل ملاحظه‌ای طی خواهد شد و همه‌ی اینها بستگی دارد که آیا بعد از استقرار پارلمان جدید در عراق و انتخاب دولت جدید آن، اگر شرایط عراق در چارچوب یک ساز و کار امنیتی معقول و مطلوب پیش برود احتمال برخورد‌های نظامی با ایران بیشتر است. ولی اگر شرایط عراق آشفته‌تر از آنچه‌ی است که تا بحال بوده بشود، به احتمال زیاد برخورد‌های نظامی به تعویق خواهد افتاد.

صدای آلمان: دکتر ورجاوند، قرار است در ایران به ابتکار آقای احمدی نژاد کنفرانسی برای بررسی و تحقیق حول مسئله‌ی کشتار و نسل کشی یهودیان بدست ناسیونال سوسیالیست‌ها برگزار بشود. این مسئله در غرب انعکاس زیادی داشته است و بیشتر انعکاسی منفی. فکر می‌کنید این امر چه تاثیری در جو جهانی علیه ایران خواهد داشت و آیا اصولاً در چنین شرایطی طرح این مسئله را مدبرانه

اجازه انجام آزمایشات در آن منطقه داده نشد.

البرادعی: ما قطعاً نیازمند نمونه گیری از تجهیزات هستیم که در لویزان مورد استفاده قرار گرفته است. ما باید با افرادی که در لویزان مشغول فعالیت بوده‌اند مصاحبه کنیم، ضمن آنکه باید اطلاعات مربوط به تغییراتی که در موشک‌هایشان انجام داده‌اند و میتواند با برنامه‌های اتمی ایران در ارتباط باشد در اختیار ما قرار گیرد. خواسته‌های ما کاملاً مشخص است و آنها هم می‌دانند که ما چه می‌خواهیم. تنها راه این است که بروند و خواسته‌های ما را برآورده کنند. من این موضوع را شفاف بگویم که فرصت باقیمانده تا ماه مارس آخرین فرصت است و من به هیچ وجه نمی‌توانم فرصت بیشتری به آنها بدهم.

سوال: با توجه به اینکه ایران غنی‌سازی را حق مسلم خود میدانند فکر نمی‌کنید این امکان وجود دارد که آنها به نقطه‌ای برسند که خودشان سوخت هسته‌ای و مواد مربوط به بمب را تولید کنند و بعد اعلام کنند که ما خارج از توافقنامه فعالیت خواهیم کرد؟

البرادعی: مطمئناً اگر آنها مواد هسته‌ای در اختیار داشته باشند و برنامه تسلیحاتی موازی با فعالیت‌های هسته‌ای را دنبال کرده باشند، آنگاه باید گفت که آنها حقیقتاً بیش از چند ماه با ساخت سلاح اتمی فاصله ندارند. در مورد ایران در توافقنامه قید شده که غنی‌سازی زیر نظر آژانس حق شماست، اما به خاطر غیر صادقانه بودن برنامه‌های هسته‌ای شما و عدم اطمینان آژانس در مورد صلح آمیز بودن فعالیت‌هایتان شما فعلاً حق انجام غنی‌سازی را ندارید و باید دوره اعتمادسازی را انجام داده تا بعد به شما اجازه داده شود.

اگر ایران در مقابل این خواست جهانی مقاومت کند و حالت خصمانه به خود بگیرد همه زبان خواهند دید ولی مطمئناً ایران بیش از جامعه جهانی متحمل ضرر خواهد شد.

با عملکرد نادرست جمهوری اسلامی، برای نخستین بار هر پنج قدرت هسته‌ای دارای حق وتو، برای فرستادن پرونده ایران به شورای امنیت به توافق کامل با هم دست یافتند

صدای آلمان: دکتر ورجاوند، امروز پنج قدرت بزرگ هسته‌ای جهان به اضافه‌ی آلمان در لندن جمع شدند تا درباره‌ی نشست اضطراری شورای حکام، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در رابطه با پرونده‌ی هسته‌ای ایران تصمیم گیری بکنند. انطوری که پیداست ارجاع پرونده‌ی اتمی ایران به شورای امنیت قطعی ست. در صورت ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت، به نظر شما چه سناریوهای احتمالی علیه ایران وجود خواهد داشت؟

پرویز ورجاوند: مسئله‌ی تشکیل این جلسه تقریباً یکی از موارد بشدت استثنایی ست، چون تا پیش از این بردن یک پرونده به شورای امنیت در دوران جنگ سرد که بشدت این

لایحه بودجه سال ۱۳۸۵ - غیر مسئولانه، خطرناک و بی هدف

مصارف بودجه کل کشور ۱۹۶ هزار میلیارد تومان (۲/۵۸ میلیارد دلار) در نظر گرفته شده که ۲۶/۷ درصد بیش از عملکرد سال ۱۳۸۴ خواهد بود. از این مبلغ ۳۲ درصد بودجه عمومی (۷۰ میلیارد دلار) و ۶۸ درصد بودجه شرکت های دولتی، بانک ها و موسسات عمومی است. از ۷۰ میلیارد دلار بودجه عمومی ۳۰ درصد بودجه عمرانی و ۶۵ درصد بودجه جاری (هزینه ای) است. ظاهراً رشد بودجه جاری دولت در مقایسه با عملکرد سال جاری ۱۰/۳ درصد و رشد بودجه عمرانی ۷۴ درصد پیش بینی شده است.

ولی در مقایسه با بودجه مصوب سال ۱۳۸۴ رقم رشد هزینه های جاری ۴۹ درصد و رشد بودجه عمرانی ۶۴ درصد است. انحراف هزینه های جاری در سال ۱۳۸۵ از ارقام مصوب مربوط در برنامه چهارم ۶۸/۹ درصد و انحراف هزینه های عمرانی از نهی ارقام ۳۷ درصد است.

اضافه کردن هزینه ها در حدود یک سوم در یک سال تنها با اتکاء اضافه شدن درآمد نفت و تمایل هزینه کردن هر چه سریعتر آن بدون توجه به پی آمد های منفی و متضاد با اهداف دیگر دولت پیشنهاد شده است.

ایرادات بودجه

۱- سست شدن ارتباط با اهداف برنامه چهارم نه تنها بر حسب ارقام بودجه پیشنهادی بلکه با اهداف و جهت گیری های کیفی برنامه مخصوصاً عدالت اجتماعی و کمک به طبقات آسیب پذیر به شرحی که در بندهای ذیل دیده می شود.

۲- افزایش سقف بودجه غیر از آنچه که باره بودجه جاری و عمرانی که کسر گردید شامل ۳۷۲ درصد بودجه شرکت های دولتی نسبت به عملکرد سال ۱۳۸۴ است که خود معرف بزرگ و بزرگتر شدن حجم دولت بر خلاف اهداف برنامه چهارم است.

۳- افزایش اتکاء به درآمد نفت. در سال جاری سهم نفت در بودجه عمومی دولت ۶۰ درصد است و مبلغ آن از ۲۲۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۳ و ۳۶۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۴، در سال ۱۳۸۵ ۴۰۴ میلیارد دلار افزایش می یابد. در سال ۱۳۸۴ در ابتدا نفت بشکه ای ۲۹ دلار در بودجه منظور شده بود که عملاً بشکه ای ۴۰ دلار به حساب آمد. در سال ۱۳۸۵ اگر چه نفت بشکه ای ۴۰ دلار منظور شده ولی عملاً ۴۵ دلار محاسبه می شود و ریال آن در اختیار دولت قرار می گیرد.

۴- افزایش نقدینگی و تشدید فشارهای تورمی. وقتی وزارت دارائی (صاحب دلارهای نفتی) ارزش حاصل از صدور نفت (روزانه ۲/۵ میلیون بشکه) را به بانک مرکزی می فروشد (دلاری ۸۹۵ تومان) ریال آن به حساب خزانه گذاشته می شود. بانک مرکزی این دلارها را یا صرف واردات می کند یا به مردم می فروشد یا ذخیره می کند (نگهداری در حساب های خود در خارج و دریافت بهره ۳ تا ۴ درصد) دولت می تواند مازاد بر بودجه درآمدهای نفتی را در حساب ذخیره ارزی نگهدارد و بانک مرکزی برای دولت در خارج سپرده کند و بهره ۴ تا ۳ درصد بگیرد. بانک مرکزی برای تبدیل دلار به ریال بدون تشدید فشارهای تورمی حدى دارد و این حد در سال ۱۳۸۵ برابر با ۱۹۷۵ میلیارد دلار است. دولت برای هزینه کردن ۴۰ میلیارد دلار برنامه ریزی کرده است. درآمد نفت با توجه به قیمت نفت در بازارهای جهانی ۵۵ تا ۶۰ میلیارد دلار خواهد بود که با توجه به پیش بینی موجودی حساب ذخیره ارزی در پایان ۱۳۸۵ (۲۰ تا ۲۱ میلیارد دلار) در مقایسه با موجودی پایان امسال (۱۸ تا ۱۵ میلیارد دلار) تقریباً کل مازاد درآمدهای ارزی (ناشی از تفاوت قیمت روزانه نفت حدود ۵۵ دلار تا ۴۰ دلار پیش بینی شده) به مصرف خواهد رسید. نرخ تورم پیش بینی شده در بودجه سال ۱۳۸۵ حدود ۱۳/۵ درصد است. این نرخ در سال جاری عملاً ۱۷ درصد است و رشد نقدینگی امسال ۳۲ تا ۳۰ درصد می باشد. طبق پیش بینی مرکز پژوهش های مجلس تورم سال جاری پس از ترمیم بودجه به ۲۹/۵ درصد می رسد و در سال آتی نرخ تورم ۲۸/۸ درصد و حداقل آن ۲۰ درصد خواهد بود. تورم تنها به سود کسانی است که کالائی در اختیار دارند و هر قدر انحصار آنها بر آن کالا بیشتر باشد قدرت افزایش قیمت بیشتر است. مزد و حقوق بگیران، بازنشستگان، بیکاران و گروه های کم درآمد شدیداً از تورم آسیب می بینند.

۵- افزایش هزینه های مصرفی - توزیعی بدون کمک به تولید. قبلاً تعدادی از هزینه های مصرفی بودجه کسر گردید. این هزینه ها مانند ۲۸۰ میلیارد تومان برای بازنشستگان (حق عائله مندی بازنشستگان ۶۰ سال به بالا سه برابر می شود و حق اولاد آنان صد در صد بالا می رود) اگر چه از نظر تامین عدالت اجتماعی و یاری فوری گروه های نیازمند مفید و ضروری است ولی با ایجاد فشار تقاضا، به افزایش قیمت ها منجر می شود. تغذیه رایگان صدها هزار نفر در ماه مبارک رمضان گذشته و ماه محرم فعلی و دادن صدها میلیون تومان به هیئت ها همین اثرات را دارد.

۶- کاهش هزینه های پژوهش، توریسم و میراث فرهنگی. طبق برنامه چهارم در سال ۱۳۸۵ می بایست ۱۷۲/۵ درصد تولید ناخالص داخلی صرف تحقیق و پژوهش شود و در پایان برنامه چهارم این نسبت به سه درصد برسد. این سهم در بودجه تنها ۰/۴۵ درصد است که از ۰/۶۸ درصد در سال جاری ۵۰ درصد کاهش نشان می دهد. همین روند درباره جهانگردی و هزینه های فرهنگی صادق است. صدمه به بنیه علمی و تحقیقی کشور به چه معنی است.

۷- افزایش زیاد بودجه نهادهای عمومی خارج از دولت. در دولت گذشته افزایش بودجه نهادهای فرادولتی برای کاهش مخالفت آنها با دولت رسم شد و در دولت فعلی با هم خوانی دولت و مجلس و قوه قضائیه و نهادهای فرادولتی این افزایش هزینه شدت بیشتری گرفته است. طبق ارقام لایحه بودجه برای بیست و دو نهاد، این افزایش بودجه نسبت به بودجه مصوب سال ۱۳۸۴ از ۱۱۲/۴ درصد برای دادگاه ویژه روحانیت، ۱۰۸/۷ درصد برای مرکز خدمات حوزه علمیه قم، ۵۰/۳

می دانید؟

پرویز ورجاوند: من بارها درباره ی صحبت هایی که این آقا انجام داده اند در این زمینه گفته ام که طرح مسئله به اینصورت از طرف ایشان و در شرایط موجود بزرگترین پیروزی برای صهیونیسم است. به دلیل اینکه واقعا اگر در یک فضای آرام و از سوی یک مجموعه ای از چهره های متخصص و متبحر در تاریخ جهان یک چنین پیشنهادی مطرح می شد، احتمال داشت که مورد بررسی قرار بگیرد و بسیاری از مسایل مبهم بازشناسی بشود. ولی با طرح مسئله از طرف ایشان و این پیشنهاد اخیر، در عمل ذهنیت جهانی را برای شناخت گسترده ی مسایل مربوط به جریان جنگ دوم جهانی که فقط تنها به مسئله ی برخورد با یهودیان مربوط نمی شود و تجاوزگری های غیرانسانی دیگری را از سوی همه طرف های جنگ می تواند دربرگیرد را از گردونه خارج می سازد. طرح این مسئله بوسیله ی این فرد و در این شرایط به اعتباری صورت مسئله را بشدت پاک می کند و شرایط را برای یک بررسی واقع بینانه برای مدت ها از بین می برد، و از سوی دیگر از نقطه نظر مسایل مربوط به انرژی اتمی و موضعگیری های جهانی در مقابل منافع ملی ایران لطمه های شدیدی به موقعیت ایران وارد می سازد. صدای آلمان: دکتر ورجاوند، آیا اصولاً تا زمانی که پرونده ی ایران به شورای امنیت برسد، شانس و امکانی برای جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که مانع از ارجاع پرونده به شورای امنیت بشود؟ منظور تا زمانیکه ایران بر مواضع تاکنونی خودش پافشاری بکند.

پرویز ورجاوند: مقامات ایران تصورشان این است که هر قدر از موضع بالاتر با قضایا برخورد بکنند امکان گرفتن آوانس های بیشتری را خواهند داشت. در حالیکه بشدت این یک پندار نادرستی ست. به دلیل اینکه غرب در زمینه ی مسایلی خیلی از نظر سطح بازتاب، پایین تر از مسئله ی ایران نیز حاضر به دادن آوانس نخواهد بود. بنابراین من بعید می بینم، مگر اینکه اینها واقعا شرایط برخورد را بشدت محکم دریافت بکنند و در آن شرایط یک رجعتی بکنند که همان پیشنهاد قبلی که من بارها مطرح کرده ام، که بار دیگر بروند بسوی در تعلیق نگهداشتن خودخواسته ی مسئله ی غنی سازی، که تازه آنجا جای بحث خواهد بود که در چنین شرایطی اگر اینها این پیشنهاد را بکنند تا چه حد غرب با آنها همگامی قطعی خواهد داشت، ولی احتمال نسبی بودن این موافقت را می شود داد.

صدای آلمان: دکتر ورجاوند، آخرین پرسش من. آیا دوره ای از تاریخ معاصر ایران را سراغ دارید که جامعه جهانی علیه ایران تا این حد و به این شکل یکصدا شده باشد؟ پرویز ورجاوند: بهیچوجه! نه تنها در مورد ایران، در مورد هیچ کشوری در دنیا شما چنین وضعی را پیدا نمی کنید. هم اکنون شاهد مسئله ی کره شمالی هستیم. با اینکه ژاپن به جهت فراوان و کره جنوبی علاقمند به این هستند که هرچه سریعتر کره شمالی را بتوانند در ابعاد گسترده در زمینه ی تکنولوژی هسته ای از توان ببندازند، ولی نحوه ی مذاکراتی که دارد طی این مدت طولانی تداوم پیدا می کند حکایت از این دارد که یک اجماعی در جهت برخورد تند و رادیکال با کره شمالی وجود ندارد. در حالیکه شاهد این مسئله هستیم که علی رغم باج هایی که به روسیه، چین و بسیاری از کشورهای دیگر داده شده است، در عمل ما شاهد موضعگیری های نصفه نیمه هم از سوی این کشورها در مقابل این مواضع تند غرب و آمریکا در قبال ایران نیستیم.

در شرایطی که پرونده هسته‌ای کشور به شورای امنیت گزارش شده است و احتمال هر نوع تحریم و محدود کردن روابط اقتصادی ایران از جمله تحریم نفتی کشور وجود دارد، بسیار غیر مسئولانه و غیر مدبرانه و خطرناک است. اگرچه در روزهای آخر عده‌ای پیشنهاد تنظیم بودجه سایه برپایه پیش بینی احتمالات را نموده‌اند، ولی سخنگوی دولت این کار را غیر ضروری می‌داند و معلوم نیست سرنوشت بودجه دولت و اداره کشور در صورت اعمال تحریم علیه ایران چه خواهد بود؟ و تکلیف مهربانی و عدالت محوری با تورم حدود ۳۰ درصد برای طبقات پائین چیست؟

با فراهم نبودن امکانات و اطلاعات لازم برای عملیاتی کردن بودجه و نتیجه بخش کردن آن حداقل تا ۴ سال هزینه کردن این همه پول و امکانات کشور در نظامی که به قول مقامات قضائی مسئول و مطلعین سازمانهای حسابرسی و بازرسی غرق فساد و اتلاف است، به قول روزنامه نیویورک تایمز در سال ۱۳۲۸ (در زمان مسافرت شاه به آمریکا و درخواست ۲۵۰ میلیون دلار کمک و وام برای اجراء برنامه هفت ساله اول) "ریختن سکه‌های طلا در سوراخ موش است".

خشونت نسبت به کارگران زحمتکش شرکت واحد محکوم است

هموطنان عزیز! مردم شرافتمند ایران روز شنبه هشتم بهمن ماه، کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران بدنبال خواسته‌های به حق صنفی خود و اعتراض به وضع معیشتی نابسامان و گرانی و تورم طاقت فرسا و انجام نپذیرفتن وعده‌های پیشین مقامات رژیم نسبت به آنان دست به اعتصاب زدند، ولی با نهنایت تاسف حاکمیت سرکوبگر جمهوری اسلامی با کمال خشونت و در برابر دیدگان گروه‌های مختلف مردم به ضرب و شتم کارگران شرکت واحد و بازداشت صدها نفر از آنان و حتی بازداشت اعضای خانواده‌هایشان دست زد و حرکت مسالمت آمیز و حق طلبانه کارگران را سرکوب نمود.

بدون تردید سیاست‌های اقتصادی نادرست و ندانم کاری‌ها و فساد مالی و وصف ناپذیر عمال حاکمیت علت اصلی ایجاد شرایط زندگی غیر قابل تحمل کارگران و اقشار مختلف ملت ایران است. جبهه ملی ایران خشونت دولت جمهوری اسلامی را نسبت به کارگران شریف و زحمتکش شرکت واحد محکوم می‌کند و پشتیبانی تمام گروه‌های اجتماعی ملت را از خواسته‌های بحق کارگران فرا می‌خواند.

۸۴/۱۱۹

جبهه ملی ایران

- رواج اعتیاد مخصوصاً در بین جوانان و دانش آموزان
- رواج فحشا و رسوخ آن تا سنین پائین
- افزایش فقر و شکاف طبقاتی که با هر یک درصد تورم این شکاف بیشتر می‌شود.

۱۲- تشدید بحران در روابط بین المللی و انزوای اقتصادی سیاسی کشور

۱۳- ادامه سیاست‌های توسعه صنعتی غلط و نابجا؛ توسعه صنعتی مصرف محور (از دیاد تولید اتومبیل، موبایل، ساختمانهای لوکس بجای تولید اتوبوس، مینی بوس، گسترش شبکه ریلی شهری و راه آهن و از همه بالاتر تولید تراکتور و ماشین آلات کشاورزی و احداث منازل کافی برای طبقات کم درآمد) جهت توسعه صنعتی کشور را به بیراهه هدایت کرده است.

۱۴- ادامه آلوده سازی محیط زیست و تهدید سلامت مردم ناشی از سیاست توسعه صنعتی غلط، عدم توجه به توسعه مناطق روستایی، خالی شدن روستاها و حاشیه نشینی و مشکلات ترابری حمل و نقل شهری که در بودجه راه اصلاحی برای آن منظور نشده است.

۱۵- اتلاف منابع (وقت و ثروت ملی) با بی محتوی کردن کتابها و برنامه‌های درسی، برگزاری مراسم و مجالس موعظه و نصیحت، اجراء برنامه‌های رادیو و تلویزیونی مخرب و اختصاص بودجه توسط دولت مخصوصاً برای مراسم و هیئت‌ها و تغذیه‌های خیابانی.

۱۶- ادامه قتل عام در جاده‌ها (۲۹ هزار نفر در سال) و بیش از ۵۰۰ هزار نفر معلول زمین گیر در سال که تدریجاً میلیونها نفر افراد غیر فعال و وابسته بوجود می‌آورد و همه اعضای خانواده‌ها را گرفتار می‌سازد

جدول افزایش بودجه نهادهای سیاسی و مذهبی، دولتی و فرا دولتی

۱- دادگاه ویژه روحانیت ۱۱۳/۴ درصد

۲- مرکز خدمات حوزه علمیه قم ۱۰۸/۷ درصد

۳- نهاد ریاست جمهوری ۵۷ درصد

۴- کمیته امداد امام خمینی ۴۳/۶ درصد

۵- مرکز خدمات حوزه علمیه قم ۳۹/۴ درصد

۶- موسسه پژوهشی و آموزشی امام خمینی ۳۴/۶ درصد

۷- مرکز مدیریت حوزه علمیه قم ۵۰ درصد

۸- دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم ۵۰/۳ درصد

۹- مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱۷/۴ درصد

۱۰ شورای نگهبان ۱۷/۱ درصد

۱۱- نیروی انتظامی ۳۴ درصد

این ۱۱ نهاد جمعاً ۸۶.۴۶۱.۱۱۵ میلیون ریال (یا ۱۲۹۰ میلیون دلار) از بودجه سهم می‌برند.

نتیجه گیری

بودجه غیر مدبرانه، خطرناک و غیر عملیاتی؛ بودجه ریزی بر مبنای نفت بشکه‌ای ۴۰ دلار و صدور روزانه ۲/۵ میلیون بشکه و خرج تراشی حتی تا ۳۰ درصد آن از بودجه مصوب

درصد برای دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۵۰ درصد برای مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۷/۴ درصد برای مجمع تشخیص مصلحت و ۱۷/۱ درصد شورای شهر.

۸- متوقف شدن خصوصی سازی. در سالهای اخیر خصوصی سازی با دو هدف کسب پول برای تجدید ساختار شرکت‌های دولتی و رفع کمبودهای آنها و نیز کاهش تصدی گری دولت تعقیب شده است. این سیاست که در اصل غلط و به جای سیاست آزادسازی و بستر سازی برای فعالیت رقابتی مردم (بخش خصوصی) در فضای آزاد در سطح جهانی به مورد اجرا گذاشته شد عملاً دو سوم تعدادی از شرکت‌های دولتی را به سازمانهای وابسته به دولت (مثل صندوق‌های بازنشستگی) و افراد خاص وابسته به دولت واگذار کرده است. فروش اقساطی شرکت‌های دولتی به اشخاص در سالهای قبل، در سال ۱۳۸۵ معادل ۷۴۰۰ میلیارد ریال درآمد ایجاد می‌کند ولی فروش تازه‌ای پیش بینی نشده است. واگذاری سهام عدالت در سال ۱۳۸۵ توسط دولت مسائل زیادی چون (قابل انتقال بودن، سود آور بودن، پوشش عام یا خاص مردم و غیره) را مطرح می‌سازد که فعلاً روشن نیست و مسئله آزادسازی اقتصادی از کنترل دولت و تزییق رقابت به اقتصاد همچنان لاینحل باقی می‌ماند.

۹- عدم تحقق پیش بینی درآمدها. از اهداف برنامه چهارم تامین مخارج جاری دولت از محل درآمدهای مالیاتی در سال پایانی برنامه است. در سال ۱۳۸۵ مالیات‌ها ۲۵ درصد مخارج عمومی را تامین می‌کند و رقم آن (۱۶۶۰۰ میلیارد تومان) نسبت به بودجه مصوب، ۲۷ درصد رشد دارد. در سال ۱۳۸۴ تراز عملیاتی بودجه ۹۵۰۰ میلیارد تومان کسری داشت که در سال ۱۳۸۵ به ۱۴۰۰۰ میلیارد تومان می‌رسد. سهم مالیاتها در تولید ناخالص داخلی در بهترین حالت ۸ درصد است. عدم تحقق درآمد خصوصی سازی و فروش اوراق مالی نمونه‌های دیگر است.

۱۰- مسئله یارانه‌ها که در اقتصاد شدیداً گرفتار اختلافات طبقاتی که ۵۳ درصد جمعیت آن در زیر خط فقر قرار گرفته‌اند، دادن سوسپید به کالاها ضروری مصرفی امری حیاتی است ولی رساندن کالای سوسپیدی به مردم محتاج و نیازمند بدون سوء استفاده افراد و بدون ایجاد اتلاف و از بین بردن انگیزه کار و فعالیت برای افراد، امری بسیار دقیق و پیچیده‌ای است که در حال حاضر کمترین توجهی به آن نمی‌شود. تثبیت قیمت سوخت در دو سال اخیر اگر چه تا حدی از فشارهای تورمی کاسته است ولی اتلاف و قاچاق سوخت و استفاده از نان برای غذای چهارپایان و رواج اقتصاد کوپنی و کوپن فروشی نشانه اتلاف شدید در این برنامه است.

۱۱- بی توجهی به مسائل حد و بنیادی جامعه؛ بودجه ۱۳۸۵ برای مسائل زیر جوابی پیش بینی نکرده است:

- بیکاری جوانان
- سقوط کارآئی در کل جامعه مخصوصاً در تولیدات صنعتی

- سقوط انضباط اجتماعی و احترام به قانون

- رواج و گسترده‌گی فساد از هر قبیل (رشوه و...)

دیدگاه جبهه ملی ایران درباره بحران انرژی هسته ای کشور

مشترک برپایه چرخش، یعنی پنج سال در خارج و پنج سال در ایران، کارساز می دانیم. با انجام این امر، هم سرنوشت خود را بدست کشورهای دیگر نسپرده ایم و هم فرصتی بدست خواهیم آورد تا در روندی مسالمت آمیز، ساختار سیاسی و اداری کشور را در مسیر استقرار دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت قانون تغییر شکل داده، افکار عمومی منفی جهان را نسبت به ایران، که حاصل عملکردهای نادرست حاکمیت می باشد، دستخوش دگرگونیهای بنیادی گردانیم. در چنان شرایطی، هیچ قدرتی نخواهد توانست ما را از حقوق خود محروم و میهمان رادرین بست و انزوا و یا در معرض تهدید و تجاوز قرار دهد.

جبهه ملی ایران
۱۰ بهمن ۱۳۸۴

هستند، گشوده است. اینها نتیجه سیاستی است که فقط با تکیه به فروش بی حساب نفت خام بعنوان درآمد ملی و تبدیل کشور به یک بازار مصرف بی در و پیکر، منجر به رشد بیکاری بیش از ۲۳٪ نیروی کار، تعطیلی روزانه واحدهای صنعتی و فقر سیاه شده است.

چنانچه از موضع گیریهای مقامهای آمریکایی و اروپایی استنباط می شود، قدرتهای غربی برآنند تا به هر بهایی که شده مسئله ایران را رودرروی جامعه بین الملل قرار دهند و از تحقق برنامه پژوهش در دانش و تکنولوژی هسته ای ایران جلوگیری کنند. در این راستا، همه تمهیدات لازم را برای بردن پرونده ایران به شورای امنیت و احتمالا" به اجرا گذاشتن تحریمهای سنگین اقتصادی و حتی حمله نظامی و اشغال بخشهایی از کشور برنامه ریزی کرده اند. به روشنی می توان دریافت که حاصل استراتژی بحران آفرینی حاکمان جمهوری اسلامی، بویژه گروه قدرت طلب و تندروی تازه به قدرت رسیده، فقط نابودی سرمایه های ملی و کشتاندن شدن کشور به آتش خواهد بود.

جبهه ملی ایران بارها در موضع گیریهای خود بر این نکته تاکید داشته است که تداوم بحران آفرینی ها و سیاست تنش آفرین حاکمیت را با توجه به اوضاع حساس منطقه ای و موقعیت حساس سیاسی و جغرافیایی ایران، نه تنها موجب کسب اعتبار و حیثیت برای ایران نمی داند، که آنرا بشدت خطر آفرین می شمارد. جبهه ملی ایران که بشدت نگران یکپارچگی کشور، استقلال راستین، همبستگی ملی و آبادانی ایران را است، کوشش برای دستیابی به یک سیاست تعامل آمیز با قدرتهای جهانی و منطقه ای، را به عنوان یک ضرورت تاریخی ارزیابی می کند و تداوم تنش شدید کنونی را با پافشاری بر روی ادامه غنی سازی، اکنون که بعلت سیاستهای غلط جمهوری اسلامی به این تگنا کشانده شده، اقدامی به دور از مصلحت و منافع ملی می داند.

ما شک نداریم که اگر حاکمان بر قدرت نشسته از سالها پیش، که ما پیشنهاد داده بودیم، به اصل استقرار حاکمیت ملی تن در داده بودند و اجازه می دادند تا ساختار کشور بر پایه گزینش آزادانه ملت سامان بگیرد و یک دولت مردمی و ملی که از تکیه گاهی گسترده در جامعه برخوردار باشد بر سر کار بیاید، هیچگاه قدرتهای جهانی بخود اجازه نمی دادند حقوق ملت ایران را نادیده انگاشته یا با آن به ستیز بپردازند.

ما در این آخرین فرصت ها، برای پایان بخشیدن به بحرانی که میتواند برای ملت ایران فاجعه آفرین باشد، پیشنهاد خود را داتر بر پذیرش داوطلبانه برنامه ای

ماجرای انرژی هسته ای و غنی سازی اورانیوم، نمونه بارزی از استراتژی بحران آفرین جمهوری اسلامی است که روند آن کشور ما را امروز در چنان شرایط خطرناک و هول انگیزی قرار داده که، در گستردگی و شدت، با هیچ فاجعه تاریخی معاصر کشور قابل مقایسه نیست.

حاکمیت جمهوری اسلامی، در حالی که پس از گذشت ۱۶ سال از بازآغازی احداث نیروگاههای بوشهر، که اهم آن در پیش از انقلاب ساخته شده بود، و صرف هزینه هایی چند برابر بودجه پیش بینی شده برای راه اندازی آنها، آنهم با تکنولوژی چهار دهه پیش که اکنون قدیمی شده، هنوز راه به جایی نبرده است. از سوی دیگر، در حالیکه در صورت عملکردی شفاف و صادقانه، هیچ قدرتی در جهان نمی توانست بر حق قانونی ایران برای پژوهش، پیشرفت تکنولوژیکی و حتی غنی سازی اورانیوم اعتراضی داشته باشد، حاکمیت، با اقدام به پنهانکاری های غیرضروری و ناشیانه، چنان جوی از بی اعتمادی در افکار عمومی جهان ایجاد کرده که به قدرتهای بزرگ اجازه می دهد، برای رسیدن به هدفهای و منافع خودشان، هرگونه فشار غیرمنطقی و برخورد گزینشی و کاملاً" سیاسی را بر ایران وارد آورند و ما از حقوق قانونی و مشروع خود محروم سازند.

اکنون، حاکمیت که همه در ها را بروی خود بسته می بیند، برای توجیه عملکرد غلط خود، کوشش دارد تا غنی سازی اورانیوم را بعنوان یک خواست بزرگ ملی و هم پایه جنبش ملی کردن نفت در جامعه وانمود کند. در صورتیکه، جنبش ملی کردن نفت برای بیداری و بازگشت اعتماد به نفس به ملت ایران بود، و این بازی جمهوری اسلامی بجز سلب اعتماد در انظار جهانیان برای ما ارمغانی نداشته است. ملت ایران هشیارتر از آن است که فریب تبلیغات جناحی و جهت دار را بخورد. اگر هزینه های سنگین بیهوده ای که تا کنون صرف این کارها شده در راه افزایش توان علمی و رشد صنعتی و بهبود اقتصاد کشور شده بود، ما امروز نه تنها در موقعیتی دستکم همتراز کشورهای چون کره جنوبی و مالزی می بودیم، بلکه بسیاری از بیماریهای اجتماعی ما مانند بیکاری، فساد، اعتیاد و فرار مغز و سرمایه با این شدت رخ نمی داد. با توجه به موقعیت بسیار ممتاز جغرافیایی ایران، ما باید اکنون بخش قابل توجهی از بازارهای خاورمیانه، آسیای مرکزی، قفقاز و فراسو را در اختیار می داشتیم. سهم کنونی ما در بازرگانی جهانی حتی به چهار دهم یک درصد هم نمی رسد، و بازاریان نیز بروی همه کشورها، حتی برای ورود ابتدایی ترین فرآورده ها که کیفیت تولیدات داخلی مشابه آنها بسیار برتر

سالگرد درگذشت مبارز

خستگی ناپذیر علی اردلان

روز ۲۲ بهمن ماه برابر است با ششمین سالگرد درگذشت چهره مبارز راه استقلال ایران و استقرار دموکراسی در کشور. در این روز علی اردلان رئیس هیئت رهبری جبهه ملی ایران، در پی نزدیک به شش دهه مبارزه پیگیر و خستگی ناپذیر در برابر بر قدرت نشستگان حاکمیت های پیش و پس از انقلاب و بارها به زندان افتادن ها و تحمل فشارهای سخت، بر اثر سکتة حاصل از تلاشهایش، در بیمارستان جان به جان آفرین تسلیم کرد.

هنوز نسل دوران بعد از کودتای ۲۸ مرداد ماه، شهادت او را در انتشار روزنامه "صرصر" به عنوان صدای اعتراض ملت ایران در برابر کودتاگران و حمایت کنندگان انگلیسی و آمریکایی آنها از یاد نبرده است.

تلاش های اردلان در طول مبارزات یک تنه جبهه ملی ایران از ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۳ در برابر رژیم شاه، کوششهای او در زنده نگهداشتن جبهه ملی در سخت ترین شرایط در طول دهه شصت به بعد، به عنوان کانون دفاع از آزادی و حاکمیت ملت، هیچگاه از خاطره ها نخواهد رفت و کارنامه درخشان مبارزات میهن پرستانه او در صفحه های تاریخ معاصر ایران بازنمایی ویژه خواهد داشت.

نشریه داخلی

پیام جبهه ملی ایران

با یاد دکتر مهدی آذر

تهران - صندوق پستی: ۱۱۴۹ - ۱۵۸۱۵

E-mail: jebhemelliiran@yahoo.com